

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۱۱

جمعه ۱۵ خرداد ۱۳۹۴، ۵ ژوئن ۲۰۱۵



هیات کمپین برای آزادی کارگران زندانی در برابر اجلاس آی ال او

صفحه ۶



صفحه ۲

گزارش هیئت اجرایی
به پلنوم ۴۳ کمیته مرکزی حزب،
۱۶ و ۱۷ مه ۲۰۱۵
اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی

مردم خشمگین و گراترین مقبره جهان

بهروز مهرآبادی

میلیارد دلار برای احداث این مجموعه اختصاص پیدا کرده ولی آنچه در سالهای بعد هزینه شده است، نامشخص است.

صفحه ۸

طلاکاری شده به ارتفاع ۹۱ متر، سنگ های گرانقیمت، آئینه کاری ها و تزئینات گران بها بر در و دیوارها توصیف مختصری است که از مقبره خمینی و دم و دستگاه آن شده است. در سالهای نخست دو

بیش از ۶۰۰ هزار مترمربع بنای سرپوشیده، مساحت مسقفی بطول یک کیلومتر و عرض بیش از نیم کیلومتر، سازه ای که مقاومت در مقابل زلزله ای به قدرت ۱۰ ریشتر را دارد، گنبد طلا و چهار گلدسته

خانواده های کارگران شهرداری بروجرد هم به میدان آمدند

اصغر کریمی

چهارصد هزار تومان بن کارت برای حمایت از کارگران و پرسنل پرداخت کرد و قرار شد ماهانه ۵۰ هزار تومان از حقوق کارکنان کم کنند اما با مراجعه به فروشگاه مورد نظر کارگران متوجه شدند که،

صفحه ۷

شورای اسلامی شهر کارگران را به صبر و آرامش دعوت کرده است تا شهردار از سفر کریلا برگردد! کارگران اما میگویند شهردار قبل از رفتن به کریلا حکم اخراج تعدادی از همکارانمان را صادر کرده است. علاوه بر این شب عید

کارگران شهرداری بروجرد درسومین اقدام اعتراضی خود به همراه خانواده های خود دست به تجمع در مقابل فرمانداری این شهر زدند و خواهان پرداخت حقوق چهارماه گذشته خود و پرداخت بیمه تکمیلی شدند.

پدرام نصراللهی آزاد شد

جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد همچنان در
قرنطیقه بسر میبرند

بهنام ابراهیم زاده ۶ روز در انفرادی خواهد ماند

صفحه ۹

یادداشت های هفته

عمید تقوایی

ساندیس خورها در مراسم متشنج

سالگرد خمینی!

فقر و فرق!

جمهوری اسلامی باید از "آی ال او" اخراج
بشود!

علیه زجر کش کردن اسلامی حیوانات!

صفحه ۵

در داخل زندانها اعتراض به اعدامها بیش

از پیش گسترده میشود!

تحصن، اعتراض، تربیون آزاد، بحث و
نقد ومقاله نویسی علیه اعدام در درون
زندانها!

صفحه ۶

گزارش هیئت اجرایی

به پلنوم ۴۳ کمیته مرکزی حزب، ۱۶ و ۱۷ مه ۲۰۱۵

اصغر کریمی رئیس هیئت اجرایی

به جامعه ببرد.

بلافاصله پس از کنگره با مساله اسیدپاشی ها مواجه شدیم. در اطلاعاتیه ای نوشتیم رژیم باد کاشت و طوفان درو کرد. در شکل دادن به این طوفان حزب و مشخصا سازمان جوانان نقش موثر و برجسته ای ایفا کرد. جمهوری اسلامی عقب نشینی کرد و اسیدپاشی ها تمام شد. علاوه بدنبال اسیدپاشی ها حضور نیروهای گشت در خیابانها محدودتر شد و عملا فضای بازتری برای تعرض فرهنگی ایجاد شد.

بدنبال آن با اعدام ریحانه مواجه شدیم. کمپین برای نجات ریحانه که از چند ماه قبل شروع شده بود یکی از بزرگترین، اجتماعی ترین، داخل کشوری ترین کمپین های ما علیه اعدام بود که در گزارش به کنگره نهم به آن پرداختیم. جمهوری اسلامی ریحانه را اعدام کرد اما هم خود ریحانه سیستم قضایی حکومت را رسوا کرد و هم کمپین بین المللی کمیته بین المللی علیه اعدام پیش از هر کمپین دیگری جنبه داخل کشوری هم پیدا کرد، گفتمان وسیعی علیه اعدام و یک گفتمان اجتماعی عمیق علیه موقعیت فرودست زن در جامعه برافراشته و کل این مجموعه هزینه سنگینی برای حکومت داشت. اعدام ها در ابعاد بالایی همچنان ادامه دارد اما اتفاق تازه این است که خانواده های محکومین به اعدام پیش از گذشته دست به تجمع و اعتراض میزنند.

حمله به نشریه چارلی ابلو یکی دیگر از اتفاقات این دوره بود که حزب بسرعت موضع شفاف و روشن گرفت و بطور متمرکز در ارگانهای تبلیغی و سیاسی به آن پرداخت. نامه به کارکنان این هفته نامه و مصاحبه و برنامه های پخش مستقیم کانال جدید و انبوهی مطلب تبلیغی در صفحات فیس بوکی و سایتهای حزب از جمله

گزارش هیئت اجرایی را اینبار بعنوان يك گزارش سیاسی اجرایی و بر اساس تحولات جامعه در این دوره و فعالیت حزب در این راستا نوشته ام و وارد فعالیت ارگانها و کمپین های مختلف نمیشوم. همه کمیته های اصلی حزب و همینطور اکثر نهادها و کمپین ها کتباً گزارش داده اند که برایتان ارسال شده و از فعالیت تک تک آنها مطلع شده اید. در واقع حجم عظیمی از فعالیت توسط ارگانهای حزبی و نهادهای نزدیک به حزب و کادرهای حزب در این عرصه ها انجام شده است و مسئولین عرصه های مختلف در پلنوم فرصت دارند که شفاها گزارش خود را تکمیل کنند. در نتیجه من وارد تک تک عرصه ها نمیشوم و سعی میکنم از دو جنبه توجه پلنوم را به فعالیت حزب در این دوره جلب کنم.

از یکطرف عکس العمل حزب نسبت به رویدادهایی که در دنیای بیرون ما در جریان است چه تحولات در داخل کشور و چه در منطقه و در سطح بین المللی. و از طرف دیگر دنبال کردن اولویت ها و نقشه هایی که خود ما داشته ایم و مشخصا دنبال کردن قطعنامه های کنگره و نقشه های رهبری حزب.

در این دوره چندین تحول مهم و قابل توجه در ایران و جهان اتفاق افتاده است. توافقات اتمی، اسیدپاشی ها، اعدام ریحانه، وقایع اخیر مهلباد، اعتراضات و اعتصابات کارگران و معلمان، دستگیری ها و همینطور ترور کارکنان چارلی ابلو و به قدرت رسیدن سیریزا در یونان شاید برجسته ترین اتفاقات این دوره بودند. حزب نسبت به همه اینها عکس العمل سریع انجام داده و سعی کرده است از طریق ارگانهای مختلف تبلیغی و سیاسی ماهیت این تحولات را به مردم توضیح بدهد و گفتمان خود را

اقدامات حزب در این زمینه بود. در این زمینه نیز جمهوری اسلامی مجبور شد ترور آنها را علیرغم اینکه کاریکاتور محمد را میکشیدند محکوم کند. در این زمینه نیز موقعیت ضعیف جمهوری اسلامی خود را آشکارتر کرد.

اعتصابات و اعتراضات کارگری در این دوره ابعاد بیشتری گرفت، اعتصاب به مراکز بزرگتری سرایت کرد و زمان اعتصابات طولانی تر شد. و ما اولاً به تک تک اعتصابات مهم برخورد فعالی کردیم، آنها را بررسی کردیم و بر نقاط قوت و ضعف آنها انگشت گذاشتیم و تلاش سیستماتیکی برای خنثی کردن توطئه های شوراهای اسلامی انجام دادیم. در سالهای گذشته و همینطور در شش ماه گذشته حضور همسران کارگران در تجمعات اعتراضی بطور محسوسی بیشتر شده است که میتوان به نمونه های بافق، کنتورسازی ایران، تصمیم مجمع عمومی کارگران نورد لوله صفا و حضور خانواده ها در تجمعات معلمان اسم برد. مجمع عمومی نیز پررنگ تر شده است، در فولاد قروه، صنایع فلزی تهران، بازنشستگان ذوب آهن اصفهان، نورد لوله صفا و در مراکز دیگری شاهد آن بوده ایم و در قطعنامه های شکل های کارگری درمورد پیش از هر زمان خواست های مستقیمی سیاسی علیه اعدام و بی حقوقی کودک، علیه بی حقوقی زنان و یا آزادی بیان و زندانیان سیاسی و تحزب و دفاع از جنبش های مترقی دیگر مطرح میشود. اینها در کنار جلو آمدن تعداد هرچه بیشتری از رهبران شناخته شده کارگری، پیشروی های بسیار مهمی است که جنبش کارگری را در موقعیت قندمندتری قرار داده است، جایگاه کارگر را در جامعه بالا برده و به آن

نقش رهبری کننده ای داده است. حزب با دقت، پیگیری و سیستماتیک و مورد به مورد بر همین جهتگیری ها تاکید و پافشاری ویژه ای داشته و تلاش همه جانبه و فشرده ای برای تقویت این روند کرده است. به موازات این جهتگیری گرایش عقب مانده کارگر کارگری و صنفی صنفی کردن ها را نقد کرده و به میزان زیادی عقب رانده ایم. خانه کارگر و شوراهای اسلامی نیز يك هدف همیشگی نقد و افشاگری ما بوده است. درمورد معلمان در چند ماه گذشته از طریق ارتباط با برخی فعالین آنها، فعالیت های میدانی و از طریق تبلیغات عمومی گرایش راست را به درجاتی عقب زده ایم. اینرا میتوان در خواست افزایش دستمزد بالای خط فقر بجای نظام هماهنگ دستمزدها، خواست آزادی معلمان زندانی، حضور اعضای خانواده ها در تجمعات معلمان، همبستگی میان بازنشستگان و کارگران با معلمان و غیره مشاهده کرد.

یکی از مهمترین اتفاقات این دوره در ایران مبارزات دور جدید معلمان است که از اواخر دیماه یعنی نیمه اول ژانویه ۲۰۱۵ شروع شد و در ماههای بعد با قدرت و بصورت سراسری ادامه یافت. توضیح يك نکته شاید اینجا ضروری باشد. ما بشدت از برخورد ایدئولوژیک اجتناب کرده و کاملاً سیاسی و با درک توازن قوای موجود حرکت کرده ایم. گرایش راست را در بالای کانون صنفی که غالب است دیدیم اما فی المثل خواهان بیرون انداختن آنها نشدیم. متوجه بودیم که گرایش چپ نه آنقدر منسجم است و نه شرایط فعلی اجازه میدهد که در راس این تشکل قرار گیرد. برعکس فکر میکردیم زیر چتر گرایش راست که با خطر چندانی مواجه نیست میتواند تحركاتش را افزایش بدهد و حرکت

های قوی و اجتماعی و سراسری بزرگی شکل بگیرد. در این پروسه گرایش چپ فرصت پیدا میکند بتدریج اشکال حرکت، شعارها و خواست های خود را در میان معلمان جا بیندازد و خود را جمع و جور کند تا در شرایط مساعد با فعالین شناخته شده و با تجربه ای که اندوخته است گرایش راست را عقب بزند. بر اهمیت کانون صنفی معلمان علیرغم اینکه گرایش راست بر آن حاکم است تاکید کرده ایم. به عبارتی کار ما از یکطرف و اساساً جنبه اثباتی یعنی کوبیدن بر خواست های رادیکال بوده و از طرفی با ظرافت و بدون تندروی گرایش راست را در قالب شعارها و مطالباتی که طرح میکند و توهمی که نسبت به روحانی و بخش هایی از حکومت ایجاد میکند نقد کرده ایم و به معلمان افق داده ایم. این سیاست اولاً با اوضاع و توازن قوا میان معلمان و حکومت از یکطرف و چپ و راست در میان معلمان از طرف دیگر انطباق کامل داشته و از طرف دیگر اعتماد به ما را بیشتر میکند.

در يك کلام ما در طول سالهای گذشته بطور واقعی بر تغییر موقعیت کارگر در جامعه و چهره دادن به جنبش کارگری نقش محسوسی ایفا کرده ایم. جهتگیری و تاکیدات ما با موقعیت عینی مبارزاتی طبقه کارگر همخوانی بالایی داشته و به همین دلیل موثر واقع شده است. يك نکته قابل توجه و مهم در این زمینه ناتوانی جمهوری اسلامی در برخورد به جنبش کارگری و اعتراضات معلمان است و این راه را بر پیشروی بیشتر جنبش کارگری بیشتر باز میکند و ما همچنان بر دامن زدن به جنبش مجمع عمومی در مراکز کارگری، به میدان آوردن همسران و اعضای خانواده های کارگران و



گزارش هیئت اجرایی به پلنوم ۴۳

از صفحه ۲

حزبی فعال، حاضر در صحنه، با عکس العمل سریع را نشان میدهد و علیرغم اینکه رسانه های دست راستی جریانات دیگری را لانس می کنند اما فعالیت های حزب حضور آلترناتیو چپ و کمونیستی را فعال و پویا نگهداشته است.

افغانستان:

در این دوره تحولات مهمی در افغانستان صورت گرفت، فضا برای فعالیت سیاسی و اعتراضات بازتر شد و زنان و جوانان به تحرکات وسیعی دست زدند که در جریان قتل فرخنده به اوج خود رسید. حزب نقش فعالی در این زمینه بازی کرد و رابطه خود را با فعالین زن و جریانات سیاسی در افغانستان به درجه ای گسترش داد. شکل دادن به کمیسیون افغانستان برای ایفای نقش سیستماتیک، بخشی از تلاش حزب در این دوره بود که باید به سرانجام برسد.

یک نکته مهم دیگر که لازم به اشاره است نقش و جایگاه کادرهای شناخته شده حزب است. امروز حزب نزدیک به ۳۰ چهره شناخته شده در ایران و خارج کشور دارد که این یک سرمایه بزرگ سیاسی و یک اهرم مهم برای تاثیرگذاری بر جامعه است. همینجا لازم است از نقش ویژه این رفقا و بویژه رفقایمان در داخل کشور که بدرست توازن قوا و وضعیت جمهوری اسلامی را تشخیص داده اند و بخوبی از این موقعیت برای پیشبرد اهداف خود استفاده کرده اند صمیمانه قدردانی شود. توانائی های بالای تعدادی از رفقای ما بسیار تعیین کننده، دلگرم کننده و امیدوار کننده است.

وجود این تعداد کادر شناخته شده در ایران و خارج ایران، یک نقطه قوت مهم حزب به شمار میرود. اما ما نقشه روشنی برای این مساله نداریم، تلاش نقشه مند و سیستماتیک برای لانس کردن و حتی معرفی آنها در دستورمان نیست. بعضا خود این رفقا نیز جایگاه سیاسی و اهمیت خود را آنطور که باید و شاید درک نکرده اند. حزب باید بطور فعال این مساله را در دستور بگذارد، لیست این رفقا در

معلمان، شکل گیری مطالبات روشن و سراسری و شکل دادن به طیف چپ و نزدیک کردن فعالین به حزب تاکید میکنیم.

در خارج کشور نیز از طریق یک تشکیلات فعال حزبی و فعالین و نهادهایی که وسیع و متنوع با کمپین ها و آکسیونها، سخنرانی ها و نوشته ها، شرکت در پانل ها و میزگردها، به زبان های مختلف فعالیت روزمره ای را به پیش میبرند حضور ملموسی داشته ایم. تلاش فشرده ای برای قوام دادن به واحدها و همزمان ایفای نقش فعال در تحرکات اجتماعی و شبکه های مبارزاتی که در هر کشور وجود دارد اساس سند مصوب پلنوم ۴۱ صورت گرفته است. با اینهمه هنوز باید در این راستا تلاش کرد تا این پروسه به سرانجام برسد و صاحب تشکیلاتی متحد، منسجم و قوی در عین حال دارای حضور فعال در تحرکات سیاسی مبارزاتی بشویم. یک پیشروی مشخص نظم و نسق بخشیدن بیشتر به حق عضویت ها و افزایش حق عضویت های وصول شده است.

عرصه های فعالیت حزب و نهادهای و چهره های شناخته شده حزب بسیار متنوع و وسیع بوده است. از افشای اسلام و اسلام سیاسی و نسبیت فرهنگی و مماشات با اسلام و جریانات و دول اسلامی که دهها سخنرانی و کنفرانس توسط رفقای ما برگزار شده است تا مقابله با حضور جمهوری اسلامی در خارج، از دفاع از حقوق پناهنده تا همراهی با مبارزه مردم افغانستان، از دفاع از حقوق کودک و بحث و افشاگری علیه ختنه کودکان تا دفاع از زندانیان سیاسی و کارگران زندانی و تحکیم رابطه با زندانها، مقابله با اعدام و افشای سیستم قضایی جمهوری اسلامی، حضور فعال در استادیوم سوئد و افشای بیحقوقی زنان در ایران، فعالیتی که در خاور میانه با تشکیل شبکه همبستگی کارگران شروع کرده ایم و همه اینها تصویر

سیاسی است که مستقیما بر مبارزه طبقاتی تاثیر میگذارد. حزب بطور مستمر این تحولات را در مقاطع مختلف بررسی کرده و تحلیل روشنی از این مساله ارائه داده است. یک وجه مباحث سیاسی و تبلیغی ما در این زمینه نشان دادن بن بست ها و ضعف های رژیم و کوتاه آمدن در مقابل غرب و امکان پیشروی مردم است. این روند در واقع هم اکنون شروع شده است و مردم دارند به پیشروی خود ادامه میدهند.

درمورد سازمان جوانان:

در این گزارش به هیچ سازمان مشخص حزبی و غیر حزبی نپرداختم اما بدو دلیل به سازمان جوانان اشاره میکنم. اولاً سازمان جوانان دوره بسیار موفق و متفاوتی را پشت سر گذاشته است و ثانياً تصویر اکثر رفقا از سازمان جوانان تصویر چند سال قبل است. سازمان جوانان در واقع از قبل از کنگره ۹ حزب روی خط قطعنامه کنگره کار کرده و از یکی دو سال قبل خود را با دنیای جدید بیشتر منطبق کرده است. به چند مولفه از کار رفقا اشاره میکنم:

در عرصه سازماندهی در این دوره الگوی بسیار موفقی ارائه داده و موفقیت قابل توجهی داشته است. گسترش تماس با فعالین داخل کشور، استفاده موثر از ملیای اجتماعی و صفحات ویژه ای که سازمان جوانان به این منظور ایجاد کرده است، تهیه برنامه های تلویزیونی با کیفیت بالا، آموزش

صفحه ۴

نشریات و کانال جدید و غیره باید با مخاطب سطح بالاتری طرف شود. برنامه های ما در سالهای گذشته درجا زده اند و باید یک سطح کامل ارتقا پیدا کند. برنامه های نوع میزگردی که مسائل را خوب حلای و تحلیل کند و یا گفتگوهای کار شده با رفقای که جوانب مختلف موضوع را بخوبی مطالعه کرده اند، بطور محسوسی افزایش یابد. برای تحقق این مساله سازماندهی جلدی از جمله در کانال جدید باید انجام شود و مسائلی مثل میزگرد و گفتگو و مباحث تحلیلی و پایه ای به بخش قابل ملاحظه برنامه های هر روزه ما تبدیل شود.

کردستان:

وقایع مهیاب در روزهای اخیر از جمله اتفاقات قابل توجه در کردستان در این دوره بوده است که کمیته کردستان سرعت عمل خوبی این مساله را در دستور گذاشت و کانال جدید نیز فعالانه همراهی کرد. مهیاب اما نشان داد که تا چه حد این جامعه تشنه اعتراض و تحول است. و تا چه حد ضروری است که حزب با ظرفیت بالاتری در این عرصه مهم فعالیت کند.

یک نکته دیگر درمورد کردستان لازم است برجسته شود و آن تحولات مهمی است که در ناسیونالیسم کرد در منطقه انجام شده است. حزب باید این تحول را تبیین کند و سیاست های خود را متناسب با این تحول تدقیق کند.

توافقات لوزان:

توافقات لوزان یک تحول مهم

نظرش باشد، توقع از آنها را روشن کند و نقشه مند برای گسترش نفوذ و اعتبار آنها کار کند. تک این رفقا نیز با توجه به جایگاهی که هر کدام دارند، لازم است نقش خود را برای گسترش نفوذ حزب بکار گیرند و در سوخت و ساز خود حزب به معنی اخص آن بیشتر درگیر شوند.

تبلیغات:

تبلیغات ما اعم از ارگانهای مرکزی و یا کادرها و فعالین حزب از حالت افشارگری نوع سنتی بیشتر فاصله گرفته است اما هنوز کار زیادی لازم است تا به تبلیغات برانگیزنده، امید دهنده و پیشرو تبدیل شود. تبلیغاتی که نقاط قوت جامعه و حرکت های عمیق آشکار و پنهان جامعه را آدرس کند و تبلیغات فعالین و مبلغین ما تصویر زنان، کارگران و کل مردم بعنوان قربانی قوی است و این باید عوض شود.

این یک عرصه مهم جدال ما با چپ سنتی در مقیاس اجتماعی است. تئوریزه کردن این بحث و فاصله گرفتن بیشتر از آن، کمک میکند که اولاً مبلغین حزب فرموله تر شوند و ثانياً روی بخشی از چپ جامعه تاثیر بگذاریم.

یک جنبه دیگر مساله این است که جامعه ایران نسبت به چندسال قبل آگاهتر، مطلع تر و بویژه طیف پیشرو از جمله به یمن مدیای اجتماعی پیچیده تر است و به رسانه های مختلف دسترسی دارد. تبلیغات و کلا مباحث ما اعم از

گزارش هیئت اجرایی به پلنوم ۴۳

از صفحه ۳

سیستماتیک به منظور ارتقاء مرتبطین و در خارج کشور اکتیو کردن و سازمان دادن اعضای تازه از جمله ویژگی های خوب این سازمان است. برای اولین بار سازمان جوانان با طیف موثری در داخل در ارتباط است. تلاش برای شکل دادن به یک اسکلت محکم حزبی در داخل کشور و وجود کادرهای قابل اتکا همچنان در دستور این سازمان قرار دارد. یک ضعف جدی که بر کار سازمان جوانان حاکم است فقدان اطلاعاتیه و بیانییه و ادبیات تحلیلی و کار شده است. یک سازمان سیاسی را صرفنظر از هر فعالیتی با ادبیاتش، با بیانییه ها و مقالات محکم و افق دهنده میشناسند و سازمان جوانان باید اینرا در دستور بگذارد. این برای ایمیج این سازمان و جلب اعتماد فعالین به آن حیاتی است.

مدیای اجتماعی:

در زمینه مدیای اجتماعی در این دوره حزب تکان خوبی خورد و صفحه فیس بوکی حزب و اخیرا صفحه گوگل پلاس حزب و صفحه ای در مورد اخبار و مسائل کارگری راه اندازی شد. صفحه کمیته کردستان هم دور جدید و متفاوتی از کار خود را شروع کرد. صفحه کارگران صفحه ای متعلق به حزب است اما بشکل غیر حزبی کار میکند. صفحه سازمان جوانان و انقلاب زنانه نیز همچنان صفحات رو به رشد و موثری بودند و ابزار خوبی برای تبلیغات حزب و در دسترس قرار دادن حزب بشمار میایند. نهادهای نزدیک به حزب نیز صفحات متعدد و رو به رشدی داشته اند. میتوان گفت در این دوره گام خوبی به جلو برداشته شده است. برای حضور فعال تر در شبکه های اجتماعی وایبر و تلگرام و غیره که در ایران جایگاه برجسته ای برای

سازماندهی و ایجاد شبکه های مختلف پیدا کرده اند، رفقایی وارد این شبکه ها شده اند اما در این زمینه هنوز در مراحل بسیار ابتدایی هستیم. باید تلاش کنیم که دهها کادر و اکتیویست حزب در این شبکه ها حضور و نقش دخالترانه ای داشته باشد. یک هدف از ایجاد صفحات حزبی کار سازمانیافته روی افراد علاقمند به این صفحات و پست های حزبی بود که کار نه چندان زیادی را شروع کرده ایم. مشکل در این زمینه عدم درک روشن از کار سازماندهی در ایران توسط خیلی از رفقا و در نتیجه بها ندادن به این فعالیت است. امیدوارم سند سیاست سازماندهی که به این پلنوم ارائه شده گامی برای غلبه بر این مشکل نیز باشد.

در زمینه جنبش آزادی زن:

هرچند فعالیت در این عرصه یک وجه دائم کار ما در خارج کشور، کانال جدید و نشریات و سایتهای ما بوده است و ابعاد کمی هم نداشته است اما این عرصه در حزب بطور واقعی بی صاحب است. نهادهای و اعضا و کادرهای متعددی در این زمینه فعالیت میکنند اما نیروی ما حول یک نهاد معین و فعالیت سیاسی کمپینی معینی سازمان داده نشده است. طرح های متعدد ما در این زمینه به جایی نرسیده و در وسط راه رها شده است.

تامین مالی حزب:

طبق گزارش مالی که به پلنوم ارائه شده، در چهار ماه گذشته دخل و خرج با هم انطباق داشته اند. درآمد حزب به همت رفقایی که بی وقفه در این زمینه تلاش میکنند با هزینه های حزب همخوانی داشته و کسری بودجه نداشته ایم. البته درآمدها همیشه یکسان نیست و همچنان نگرانی های مالی حتی بیش از سابق در مقابل ما است و

اگر نتوانیم رفقای معینی را در این عرصه سازمان بدهیم با اوضاع بسیار شکننده ای مواجه خواهیم شد.

هدفی که هفت ماه قبل برای این دوره از فعالیت در کنگره مقابل حزب گذاشتیم علاوه بر فعالیت هایی که در عرصه های مختلف انجام میدهم، تلاش برای منطبق شدن با شرایط کنونی مبارزه طبقاتی، تحکیم رابطه با فعالین اجتماعی چپ، پاسخ دادن به مسائل آنها، استفاده موثرتر از مدیای اجتماعی، حضور فعال در شبکه های اجتماعی و مباحث جاری در جامعه ایران بود. تلاش برای عملی کردن سیاست سازماندهی ما در خارج که از یک سال و نیم قبل تدوین شده بود، سیاست سازماندهی ما در ایران، تمرکز بیشتر روی فعالیت سازمان جوانان و استفاده موثرتر از مدیای اجتماعی از جمله سیاست های ما در پاسخگویی به اوضاع کنونی و قطعنامه کنگره ۹ بوده است.

رهبری حزب:

یک مساله مهم شکل دادن به یک طیف حداقل بیست نفره در رهبری اجرایی حزب است. واقعیت این است که در حال حاضر رهبری اجرایی حزب خیلی تنگ شده است. بدنبال کنگره شورای اجرایی حزب متشکل از هیئت اجرایی و ۲۸ نفر از رفقای مسئول ارگانها و نهادهای تشکیل دادیم که به منظور دخیل کردن تعداد هر چه بیشتری از رفقا در تصمیم گیری ها و فعالیت های رهبری حزب بود. این قطعا اقدامی مهم و ضروری بود اما در عمل و بهر دلیل موجب تغییری نشد. یکی از علل این مساله کم توجهی رفقا به اینکه کل حزب باید مشغله و مساله آنها باشد. یک نقطه قوت مهم حزب که نه تنها نباید کمرنگ شود بلکه همچنان باید تقویت شود این است که تعداد قابل توجهی از کادرهای حزب در عرصه های مختلف مشغول فعالیت های ارزشمندی هستند که دامنه عمل فعالیت حزب

را وسیعا جلو برده است و این یک پیشروی قابل توجه برای حزب و یک نقطه تمایز برجسته ما با احزاب دیگر است. اما در عین حال همزمان شاهد یک روند دیگر هستیم و آن غرق شدن در کارهای عرصه ای و کم علاقهگی به فکر کردن به کل حزب، شریک شدن در این نوع مشغله ها و شریک شدن در پاسخ به مسائل ماکرو حزب است. در تشکیلات خارج هم تلاش ما و سیاست ما رفع همین مشکل بود اما در این جنبه موفقیتی نداشتیم.

واقعیت این است که رفقای زیادی در حزب هستند که برای خیلی کارها ایده دارند، فعالاند، اجتماعی و با خلاقیت کار میکنند و امکانات حزب را گسترش میدهند. در هیئت اجرایی باید حضور و تاثیر این رفقا مستقیم و هر روزه باشد اما هیئت اجرایی را نمیتوان زیاد بزرگ کرد. راهی که ما انتخاب کردیم شکل دادن به یک شورای اجرایی بود که بدون اینکه هیئت اجرایی بزرگ و دست و پا گیر شود اما به موازات آن رفقای بیشتری در مشغله های بالای حزب شریک شوند، بتدریج بر کارهای مختلف اشراف پیدا کنند، به جنس کار هیئت اجرایی علاقمند شوند و در هیئت اجرایی حضور داشته باشند و در یک پروسه یک تیم اجرایی قوی تری شکل بگیرد. اما در این هفت ماه موفقیت محسوسی در این زمینه نداشتیم. این یک نقطه ضعف مهم حزب است. حزب نیاز به تعداد بیشتری از کادرهای خود دارد که علیرغم اینکه ممکن است در عرصه خاصی فعال باشند و یا مسئول عرصه خاصی باشند اما به همه وجوه فعالیت حزب، سیاست ها و تصمیم گیری ها کار داشته باشند، دخالت کنند، مطلع باشند و اظهار نظر کنند و بتدریج لایه رهبری حزب را تقویت کنند. این باید بعنوان یک نقطه مهم و گرهی و بعنوان یک اولویت مهم در دستور حزب و کادرباش باشد.

بعنوان یک جمعبنلی تصور

من این است که در این دوره حزب موفقیت های خوبی را در عرصه هایی که توضیح دادم داشته است اما سرعت فعالیت ها، تعداد پروژه های تازه، جذب نیرو و تاثیر که در دنیای بیرون خود میگذارد بسیار کمتر از نیاز جامعه، نیاز حزب و توان بالقوه حزب است. با اینهمه نهادهای خوب و موقعیت خوبی که هرکدام دارند، با اینهمه کادرهای روشن و سر خط، با امکاناتی مانند تلویزیون و بویژه خط و جهتی که حزب دارد توانایی حزب بیش از اینها است. برای تبدیل شدن به نیرویی که در تحولات کنونی و پیش رو بتواند نقش تعیین کننده و رهبری ایفا کند این درجه از فعالیت، آمادگی و پیشروی کافی نیست. کلید را باید در پوینت قبلی یعنی ارتقاء ظرفیت رهبری حزب و دخیل کردن تعداد بیشتری از رفقا و از جمله غلبه بر سنت هایی که از گذشته بر دست و پای حزب سنگینی میکند جستجو کرد.

و بالاخره اتفاقات یونان و روی آوری به پودموس در اسپانیا و غیره نشان دهنده چرخش جامعه به طرف چپ و انتخاب چپ است. در ایران این روند با عمق بیشتری و از سالها قبل جریان دارد. حزب باید خود را عمیقا و هرروزه در سوخت و سازهای فکری فعالین اجتماعی و سیاسی دخیل کند، به مسائل آنها پاسخ بدهد، خود را از طریق مدیای اجتماعی و شبکه های اجتماعی کاملا در دسترس قرار بدهد و این روند را به روی آوری به خود حزب تبدیل کند. بویژه که قدرت سرکوب جمهوری اسلامی بطور محسوسی پایین آمده و اعتماد بنفستش برای سرکوب بشدت کاهش یافته است. این به معنی رشد جنبش های اعتراضی است که همانطور که در مورد معلمان شاهد بودیم به رشد جناح چپ این جنبش ها منجر میشود. حزب باید برای رویارویی با این اوضاع آماده باشد.

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

ساندیس خورها در مراسم متشنج سالگرد خمینی!

فرمانده ناجا: "۳۰ هزار پلیس/امنیت مراسم سالگرد مرگ خمینی را تامین می‌کنند". این گفته فرمانده ناجا نشانه دیگری از تزلزل و بی ثباتی فزاینده جمهوری اسلامی است. برای تامین امنیت مراسم دولتی بزرگداشت رهبرشان ناگزیر شده اند سی هزار مزدور حکومتی را بسیج کنند. فرمانده ناجا میگوید: "۲ هزار اتوبوس ساندیس خورهای حکومتی را از سراسر کشور به تهران خواهند برد." به عبارت دیگر تلاش کرده اند که با بسیج جمعیت کرایه ای بر سر قبر خمینی سوت و کوری بساطشان را جبران کنند و تنفر و رویگردانی کل جامعه از خمینی و نظام اسلامی اش را لاپوشانی کنند. مشکل رژیم فقط امنیت نیست. مشکلشان اینست که بدون جمعیت کرایه ای ساندیس خورها اصلا مراسمی نمیتوانستند برپا کنند. همانطور که مدتهاست نماز جمعه هایشان را فقط با بسیج ساندیس خورهای حرفه ای میتوانند

فقر و فرق!

"هم از فقر مینالیم، هم از فرق بیزاریم!" این یکی از شعارهای معلمان معترض است. این را در کنار شعار "معیشت منزلت حق مسلم ماست" قرار بدهید تا مضمون اعتراضات نه فقط معلمان بلکه توده کارگران و جوانان و زنان ایران روشن بشود. فقر و فرق نیز مانند منزلت و معیشت دو روی یک سکه اند. ثروتهای میلیاردری آیت الله ها و آقا زاده ها و اعوان و انصارشان مکمل فقر توده مردمی است که با درآمدی یک چهارم خط فقر روز میگذرانند. آن ثروت نجومی از جیب این توده محروم ربوده شده است. هفته پیش در تهران مهمانی ای برگزار شد که مدعوینش صاحبان اتومبیل پرورده بودند. اتومبیلهایی با قیمت بالاتر از دو میلیارد تومان! این

برگزار کنند. اما بعد از همه این تمهیدات، مانند سالهای قبل مراسمشان به صحنه دعوا و کشمکش جناحهای حکومتی بدل شد. سخنان روحانی در این مراسم با شعار های مرگ بر منافق و مرگ بر آمریکا به دفعات قطع شد. در گزارشها آمده است که مراسم به تشنج کشیده شد و روحانی پس از چند بار قطع شدن سخنانش بر وحدت کلمه در بین مردم تاکید کرد و همه را به اتحاد فراخواند. لازم نیست جناب روحانی نگران وحدت کلمه مردم باشد. مردم علیه جمهوری اسلامی کاملاً متحد هستند. اگر اینطور نبود رژیم متبوعه ایشان ناگزیر نمی شد برای تامین امنیت و برای رونق دادن به مراسم فرمایشی اش گله های ساندیس خور را بسیج کند. ریشه دعوها و کشمکشهای جناحهای حکومتی هم در نهایت همین وحدت کلمه مردم ایران علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی است.

مهمانی آقازاده ها، درست مانند میلیاردهای غیب شده از درآمد نفت و خزانه دولت که هر چند روز یکبار اخبارش رونمایی میشود، و یا مثل هزینه های نجومی که صرف قبه و بارگاه مجلل خمینی کرده اند، جزئی از شیوه زندگی و شیوه حکومتی یک درصدیهای مفتخور در ایران است. پرچم اعتراض به فقر و فرق و خواست معیشت و منزلت در واقع بجالش کشیدن این وضعیت است. اردوی نود و نه درصدیها در ایران میدانند چه میخواهد و با چه نوع دشمنی مواجه است. برای اتحاد و پیشروی بیشتر و تحقق معیشت و منزلت برای کل جامعه باید در حزب ضد فقر و فرق، در حزب کمونیست کارگری ایران، متشکل شد.



جمهوری اسلامی باید از "آی ال او" اخراج بشود!

امسال هم در برابر اجلاس سالانه سازمان جهانی کار "آی ال او" فعالین کمپین برای آزادی کارگران زندانی حضور بهم رساندند و پیام کارگران ایران را به شرکت کنندگان در این کنفرانس اعلام کردند. خواست آزادی کارگران زندانی و اخراج جمهوری اسلامی از "آی ال او" دو جزء مهم این پیام بود. این پیام بویژه امسال بدنبال تشبثات راسیستی خانه کارگر دست ساز حکومت و دستگیرهای فعالین تجمعات واقعی کارگری در روز جهانی کارگر، خواست اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او مبرمیت و برجستگی ویژه ای پیدا میکند.

علیه زجر کش کردن اسلامی حیوانات!

بدنبال اعتراضات اخیر مردم شیراز و تهران به کشتار سگها، پرونده جنایات جمهوری اسلامی علیه حیوانات به راس اخبار رانده شد. یک بخش دیگر این پرونده کشتار سیستماتیک کبوترها به جرم ملوث کردن گنبد و باروی امامزاده ها است! اما حیوان ستیزی اسلامی از اینها فراتر میروید. نفس ذبح اسلامی زجر کش کردن حیوانات است. روزانه میلیونها مرغ و گاو و گوسفند زیر تیغ اسلاميون زجر کش میشوند! باگلولی نیم بریده رها میشوند تا دست و پا بزنند و زجرکش بشوند. حتی در

کشورهای غربی نیز "حلال گوشت" مغازه ها و مشتریان خودش را پیدا کرده است. این هم مانند حجاب اسلامی و دادگاه های شریعه یکی دیگر از صادرات ارتجاعی اسلاميون به اروپا است. باید توجه سازمانهای حمایت از حقوق حیوانات را به این مساله جلب کرد. باید همه بدانند که جمهوری اسلامی حکومتی علیه زندگی است. حکومتی است علیه زندگی انسانی، علیه محیط زیست و علیه حیوانات!

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

هیات کمپین برای آزادی کارگران زندانی در برابر اجلاس آی ال او



فارسی و آلمانی به سرکوبگری هایی حکومت اسلامی و وضعیت کارگران زندانی اشاره کرده و بر خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار تاکید کرد. این پیکت اعتراض توجه افرادی را که در محل بودند به خود جلب کرده و از جمله نمایندگانی از کشورهای الجزایر، سوئد، سری لانکا، هلند، اسپانیا و سودان به میان جمع این دوستان آمدند، عکس و فیلم گرفتند، اطلاعیه های کمپین برای آزادی کارگران زندانی را گرفتند و حمایت و پشتیبانی کردند. در میان آنها نماینده از از سوئد گفت که او بهنام ابراهیم زاده و رضا شهابی را می شناسد و اطلاعیه های کمپین و عکس کارگران زندانی را به اجلاس میبرد و هنگامی که نماینده جمهوری اسلامی صحبت کند آنرا نشان داده و خواستار آزادی بهنام و دیگر کارگران زندانی خواهد شد.

بدین ترتیب امسال نیز ما توانستیم در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار صدای اعتراض کارگران ایران و کارگران زندانی باشیم. و یک بار دیگر شعار جمهوری اسلامی باید از سازمان جهانی کار اخراج شود، در مقابل این سازمان سر داده شد.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۲ ژوئن ۲۰۱۵

Shahla.daneshfar@gmail.com

امنیتی نتوانست مانع رساندن صدای اعتراض کارگران ایران و کارگران زندانی به این اجلاس شود.

در این روز هیات اعزامی به آی ال او با پخش وسیع اطلاعیه هایی با عنوان ایران جمهوری اسلامی ایران باید از آی ال او اخراج شود و با درج خلاصه ای از وضع کارگران زندانی و عکس هایشان و نیز قطعه نامه «کمپین برای آزادی کارگران زندانی» با خواستهای آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی و زندانیان سیاسی و اخراج جمهوری اسلامی از آی ال او توانستند اعتراض خود را به گوش شرکت کنندگان آن برسانند. این اطلاعیه ها علاوه در اتوبوس ها و وسط شهر ژنو که میزبان چند هزار شرکت کننده در اجلاس آی ال او است پخش گردید. عکس جمعی کارگران زندانی و عکس هایی از کارگران زندانی جعفر عظیم زاده، شاپور احسانی راد، بهنام ابراهیم زاده را نیز به نرده های ساختمان آی ال او و جاهای مختلف چسبانده شد.

همچنین در پیکت اعتراضی کوتاهی که این هیات در مقابل ساختمان آی ال او برپا کرد، نسرین رمضانعلی طی سخنانی به زبان

روژ ۱ ژوئن در اولین روز اجلاس سازمان جهانی کار (آی ال او) به روال هر سال هیاتی از سوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و حزب کمونیست کارگری ایران مرکب از نسرین رمضانعلی، ناصر کشکولی، طه آزادی و رضا مرادیان به ژنو رفتند تا در آنجا صدای اعتراض کارگران ایران و کارگران دربند در این اجلاس باشند.

سازماندهندگان اجلاس سازمان جهانی کار که تجربه هر ساله حضور اعتراضی ما در این اجلاس های سالانه را دارند، تمهیدات امنیتی سختی را در دستور گذاشته بودند و تحت عنوان اینکه ما به «ایرانیان» کارت ویزیتوری نمیدهیم، اینها هر سال اینجا آمده و شلوغی! بپا کرده اند، به هیئت ما کارت ورود ندادند. اما این گفته ها بیش از بیش نشانگر تاثیر ماندگار اعتراض هر ساله ما به سازمان جهانی کار بخاطر مداخلاتش با جمهوری اسلامی بود. سازمان جهانی کار پیام ما مبنی بر خواست اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار را گرفته و در کنار حکومت اسلامی ایستاده و مانع ورود هیات ما به درون ساختمان شد. اما این تمهیدات

در داخل زندانها اعتراض به اعدامها بیش از پیش گسترده میشود!

تحصن، اعتراض، تریبون آزاد، بحث و نقد و مقاله نویسی علیه اعدام در درون زندانها!

و یک پیام مهم از انسانیت و مخالفت با اعدام را به همگان میدهند. بخشش يك نفر در ایلام پای چوبه دار از طرف خانواده مقتول مردم آزاده، منزجرین از اعدام و جنایات جمهوری اسلامی! پیام تلاش و اعتراضات زندانیان محکوم به اعدام از درون زندانها را به گوش جهانیان برسانید، کمک کنید جلوی اعدامها در ایران را بگیریم. کمیته بین المللی علیه اعدام ۳۱ ماه مه ۲۰۱۵

امروز یکشنبه صبح زود اعدام يك متهم به تجاوز در شیراز در ملا عام صدور حکم اعدام علیه دو نفر به اتهام تجاوز، پنج قاضی به سه بار اعدام علیه این دو نفر رای دادند. اعلام اجرای حکم اعدام يك نفر در ملا عام در جیرفت، بزودی! اعدام يك نفر متهم به قتل در زندان تبریز چهارشنبه ۶ خرداد ماه اعدام يك نفر در گچساران اعدام دو نفر در کرمان و کماکان مردم دلرجم و مخالف اعدام روزانه پای چوبه دار می بخشد

جمله سید نجم الدین حسینی و مسئول بند ۲ زندان به بقیه زندانیان تسلیت گفته و اعلام میکند که علی نوروژی نباید اعدام میشد.

هفته پیر از اعدام و جنایت، هفته اعدامها در ملا عام، هفته وحشت در زندانها!

حداقل ۴۴ اعدام در قزل حصار در کمتر از دو هفته، حداقل ۱۰ اعدام در رجایی شهر، و لیست بلند بالای اعدامها در همه شهرهای ایران:

ایران مقاله نوشته و بر در و دیوار زندانها میزنند. بطور مثال این روزها در رجایی شهر و بعد از اعدام علی نوروژی جلوی چشم هم بندیهای او، اعتراض و بحث و انتقاد از این رفتار جانان اسلامی بسیار گسترده بود. هم بندیهای این زندانی دور هم جمع شده و بحث کردند و فضای اعتراضی به زندانبانان منتقل شد. خبر از رجایی شهر میرسد زندانبانان هم زیر فشار این فضای اعتراضی میگویند این کار اشتباه بوده و به هم بندیهای علی نوروژی تسلیت گفته اند. از

در همه زندانها فضای وحشت حاکم است هر روز تعدادی را جدا کرده و میکشند. برخی را با کمال قساوت در ملا عام و جلوی چشم همه اعدام میکنند، و خود زندانیان اکنون به جنب و جوش افتاده و سعی میکنند در مقابل این موج اعدامها کاری بکنند. از همه زندانها خبر میرسد که محکومین به اعدام که همگی تقریباً جوان هستند، باهم گفتگو میکنند و به فکر راه چاره هستند. زندانیان علیه این اعدام و اعدامها در

خانواده های کارگران شهرداری بروجرد ...

از صفحه ۱

شهرداری پول بن های خریداری شده در فروردین را پرداخت نکرده و کارگران را سر کار گذاشته است.

کارگران اما نه منتظر برگشتن شهردار حقه باز از زیارت کربلا شدند و نه به توصیه های مزدوران شورای اسلامی شهر توجه کردند. برای سومین بار دست به تجمع زدند و این بار اعضای خانواده هایشان نیز آنها را همراهی کردند.

حضور اعضای خانواده های کارگران در تجمعات اعتراضی یک اقدام بسیار مهم و شکوهمند در جنبش کارگری محسوب میشود و با گسترش خود جنبش کارگری را بشدت متحول میکند. سال گذشته خانواده های کارگران زندانی معدن سنگ آهن بافق دست به حرکتی جانانه زدند، در

ماههای گذشته خانواده های معلمان در تجمعات آنها حضور ملموسی داشتند، اعضای خانواده های کارگران کنتورسازی ایران در شهر البرز نیز در اسفندماه گذشته در اقدامی بیسابقه و بسیار جالب وارد کارخانه شدند تا در تجمع اعتراضی کارگران این کارخانه شرکت کنند و اکنون نوبت خانواده های کارگران شهرداری بروجرد است. این روندی است که آغاز شده و کارخانه به کارخانه و شهر به شهر به پیشروی خود ادامه خواهد داد. این بخشی از پیشروی طبقه کارگر و نیز پیشروی زنان بطور کلی است. پیشروی طبقه کارگر است چون از حالت محدود و صنفی دارد خود را خارج میکند، مبارزاتش را اجتماعی تر و موثرتر میکند، تلاش میکند کل نیرویش را بسیج کند و فشار بیشتری به اردوی مقابل بیاورد. اما اگر

زنان و جنبش آزادی زن بطور مشخص پیشروی نکرده بود، اگر زنان قدم به قدم حکومت را عقب نرانده بودند، اگر حجاب را پس نزده بودند، اگر جامعه و مشخصا جوانان سنت های عقب مانده مذهبی و ضد زن و حاجی بازاری را به زباله دان نریخته بودند، امروز همسران کارگران مراکز کارگری نیز، که اکثرا زنان خانه دار هستند، در تجمعات کارگری شرکت نمیکردند. هرچه جنبش آزادی زن و جنبش ضد مذهبی و خلاصی فرهنگی بیشتر جلو میاید طبقه کارگر خود را قوی تر احساس میکند و سنت های پیشرو بیشتری بر جنبش کارگری حاکم میشود. و این رابطه دوطرفه است. وجود یک جنبش کارگری وسیع و نسبتا قدرتمندی که در سالهای گذشته شکل گرفته است، راه را بر حضور و پیشروی جنبش های اجتماعی و مترقی دیگر بیشتر باز کرده است. اما طبقه کارگری که قرار است پرچم خواست های کل جامعه را

برافرازد و رهبر و پیشتاز کلیه جنبش های پیشرو و آزادیخواهانه باشد، باید قدم های بسیار مهمی به جلو بردارد. حضور چهره های شناخته شده جنبش کارگری، قطعنامه هایی که خواست های فوری و مهم کل جامعه را نمایندگی میکنند، جنبش رو به رشد مجمع عمومی که امکان دخالت توده های کارگر را فراهم میکند، اعتصابات و تجمعات هر روزه برای دستمزد و سایر مطالبات اقتصادی طبقه کارگر که امروز به شکل اعتصابات طولانی مدت در کارخانه ها و معادن بزرگ خود را نشان میدهد و حضور رو به رشد خانواده های کارگران در تجمعات کارگری، نقاط قوت طبقه کارگر در ایران است که موقعیت ویژه ای به طبقه کارگر و جایگاه و موقعیت این طبقه داده است.

یک نقطه قوت مهم و تعیین کننده جنبش کارگری وجود یک گرایش قوی رادیکال و کمونیستی است که اجازه نداده

است گرایشات رفرمیستی و محدود و سازشکار پیشروی طبقه کارگر را سد کند و مانند جنبش اتحادیه ای رفرمیستی در غرب جنبش کارگری را در لاک محدود خود فرو کند، بوروکراسی را بر آن حاکم کند و آنرا خفه کند. سنت های مبارزاتی از جمله اتکا به مجمع عمومی، طرح خواست هایی فراتر از مسائل محدود به مراکز کار، نداشتن توهم به ارگانهای حکومتی و قانون کار و مجاری قانونی، تلاش برای جلب همستگی با جنبش کارگری در سطح ایران و در سطح بین المللی، جلو آمدن چهره های شناخته شده و رادیکال کارگری و حضور همسران و اعضای خانواده های کارگران در تجمعات اعتراضی محصول یک افق سیاسی رادیکال در جامعه است که حزب کمونیست کارگری بطور سیستماتیک و با تمام قوا تلاش میکند آنرا تقویت کند.

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است. برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shom

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

کنفرانس نه به سنگسار در بروکسل

و شرکت مینا احدی در این کنفرانس



مردم خشمگین و ...

از صفحه ۱



مناسبتی در خدمت نیازهای جامعه پیدا خواهند کرد. این جنبش دهها سال است که در ایران آغاز شده و اکنون به یک نیروی قدرتمند تبدیل شده است که حکومت و دم و دستگاهش را به عقب رانده و در تنگنا قرار داده است. مذهب و نهاد های مذهبی که بنا بود خرافه پخش کرده و مردم را مرعوب کنند، اکنون به پاشنه آشیل حکومت تبدیل شده است. جنبش ضد مذهبی و علیه همه سمبل ها و مقدسات مذهبی هر روز قدرت و عمق بیشتری پیدا می کند و حتی درون حکومت اسلامی هم شکاف انداخته است. مقامات رژیم در منابر و تریبون ها آشکارا نگرانی خود را از پشت کردن مردم به مذهب و بخطر افتادن بنیادهای حکومت اسلامی اعلام می کنند. کمپین های علیه حجاب، علیه جدائی جنسی، دفاع از حقوق کودک، خلاصی فرهنگی، علیه اعدام و سنگسار، هر کدام بخش هایی از جنبش قدرتمندی است که می رود تا مردم ایران و جهان را از شر جمهوری اسلامی خلاص کند.

کرده و به عقب رانده اند. در آثار بزرگترین اندیشمندان و نویسندگان بزرگ دو قرن اخیر نهاد های مذهبی بعنوان دستگاههای فساد، جنایت و غارت معرفی شده و در فرهنگ مردم بسیاری از کشورهای جهان این بعنوان امری رایج شناخته شده است. حاکمیت یکی از سفاک ترین حکومت های مذهبی در ایران نتوانسته است مانع نقد عمیق مذهب توسط مردم و دست انداختن ارگانها و سمبل های مذهبی توسط آنها شود. آنچه که در دنیای امروز توانسته است مذهب و حکومت های مذهبی را زنده و باقی نگاه دارد نیاز مبرم سرمایه به وجود مذهب برای توجیه استثمار و غارتگری سرمایه داران و ابزاری در دست آنان برای ایجاد جنگ و بحران و سرکوب نیروهای آزادیخواه است. حکومت های مذهبی بدون گلوله و شکنجه و ترور حتی یک لحظه هم پایدار نیستند، این واقعیتی است که حتی سرمداران مذهبی هم نمی توانند آنرا انکار کنند. تناقض عظیم مذهب با تمدن و بشریت قرن بیست و یکم بجز با از بین رفتن حکومت های مذهبی نمیتواند خاتمه پیدا کند. این را مردم ایران نشان خواهند داد، سرنوشت خود را بدست خواهند گرفت، حکومت بحرانزده جمهوری اسلامی را سرنگون کرده و دست مذهب را از زندگی و جامعه کوتاه میسازند و برای ساختمان عظیم "حرم خمینی" هم مورد استفاده

مرعوب کردن مردمی است که سقف خانه هایشان با کمترین توفان و یا زلزله فرو میریزد. اینها سمبل های مذهبی ترسناک و دست نیافتنی هستند که متولین آنها با قدرت و ثروت خود سرنوشت آدمیان رادر دست دارند و می توانند آنها را به بردگی بکشند و مجازند تا هر جنایتی را انجام دهند. تالار طلاکاری ها، چلچراغ ها و زرق و برق های گوناگون یادآور ثروت هنگفت صاحبان صنعت مذهب، قدر قدرتی طلا و پول و حاکمیت آن بر زندگی مردمی است که این شکوه و جلال با نیروی کار آنها بوجود آمده است. ورقه های طلا و کیسه های پول قرار است احترام و تکریم برای جاهلانه ترین عقاید و خبیث ترین اندیشه ها کسب کند. رابطه زمین با آسمان و دعا و نیایش بدون وجود آنتن های ساخته شده از صدها کیلو طلا امکان پذیر نیست. اما بیش از دو قرن است که دوران خوش و بی درد سر حکومت های مذهبی به سر آمده است. در بسیاری از کشورهای جهان دست مذهب از قدرت سیاسی کوتاه شده است. کلیسا که چندین قرن بعنوان قدرتمند ترین نیروی مذهبی بر بخش های بزرگی از جهان حاکم بود، بخش بزرگی از نیروی خود را از دست داده است. رشد علم و تکنولوژی در اکثر نقاط جهان توانسته است جبهلیات مذهبی را از هر رنگ و نوع به موزه ها بپردازد. جنبش های اجتماعی مدرن و در راس آنها سوسیالیست ها ضد انسانی بودن ماهیت مذهب و حقه بازی و شیادی روسای آن را افشا کرده و در سطحی وسیع آنرا منزوی

خمینی برای مردم ایران یادآور جنبشی کثیف و ضد مردمی است که نه تنها در ایران بلکه در بسیاری از کشورهای منطقه و در گوشه و کنار جهان بساط ترور، کشتار و جهل و خرافات به راه انداخته است. حتی دیدن تصاویر این بنای بزرگ مردم را به یاد جنایاتی می اندازد که خمینی بطور مستقیم و یا غیر مستقیم در سازماندهی آن نقش داشت. لازم نیست راه دور رفت. در فاصله ای کمتر از ۵۰ کیلومتر از این شکوه و جلال که میلیاردها تومان خرج برداشته است، می توان مدارسی را دید که کلاس های ویران آن کودکان را تهدید می کند، دهات و شهرک هایی را دید که از داشتن آب آشامیدنی محرومند، هزاران مردمی را می توان دید که در حلبی آبادها و بیغوله ها زندگی می کنند و هزاران کودک را می توان یافت که بخاطر فقر از تحصیل محرومند. در پیرامون این "حرم" چندین میلیارد دلاری مردمی زندگی می کنند که کتابخانه، سینما، تئاتر و سالن ورزشی برایشان پدیده هایی لوکس و دست نیافتنی است. مقبره خمینی یا گرانترین مقبره جهان همانند بسیاری از اماکن مذهبی، کلیساها، معابد و مساجد آثار معماری نیستند که برای رفع نیازهای مردم و جامعه بوجود آمده باشند. این اماکن بیش از هر چیز برای نشان دادن قدرت مذهب و حاکمان مذهبی و سیاسی بوجود آمده اند. هدف این ساختمان های غول آسا مبهوت و

وقتی که پای رقم های میلیاردری، هتل پنج ستاره، پاساژها، فروشگاهها، سازه های پر زرق و برق و قبر فروشی میشود به راحتی می توان دریافت که دعوی باند های جمهوری اسلامی در مورد مغایرت ساختمان این مقبره با "ساده زیستی" و مخالفت با تجمل گرایی بر سر چیست. این کشمکش برای داشتن کنترل و در اختیار گرفتن تاسیسات عظیمی است که با غارت و چپاول دسترنج کارگران و زحمتکشان ساخته شده است. این دعویایی است که فی الحال و با هدف بیرون کشیدن این تاسیسات از دست باند رقیب است. وگرنه در مورد تزئینات گران بها، طلاکاری ها، آئینه کاری ها، قالی های نفیس و ثروت عظیم مقبره امام رضا، امام حسین، انواع مختلف امامزده های ریز و درشت و مساجد و ... دعویایی نیست و کسی آنرا مغایر ادعاهای آخوندها و مذهبیون در مورد زندگی و سیرت "زاهدانه" آنها نمی داند.

آنچه که بیش از هر چیز موجب خشم و تنفر مردم از دم و دستگاه "حرم خمینی" است، فقر و فلاکتی است که در کنار این برقه و بارگاه بر مردم حاکم است، از سوی دیگر این مقبره بنیانگذار یکی از جنایتکارترین حکومت ها است که در طول ۳۶ سال عمر خود چیزی جز سرکوب و غارت و فقر و نکبت چیزی برای اکثریت مردم ایران نداشته است.

وخامت جسمی محمود صالحی

میداند. مقامات و نهادهای جمهوری اسلامی موظف به معالجه، مداوا و بازگرداندن سلامتی جسمی محمود صالحی می باشند. ما سازمانها و تشکلهای کارگری را به اعتراض به وضعیت نابسامان جسمی محمود صالحی فرا میخوانیم. محمود صالحی باید فوری و با تمام امکانات پزشکی و دارویی و مجانی تحت معالجه موثر قرار گیرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

۳ ژوئن ۲۰۱۵
۱۳ خرداد ۹۴

امنیتی پلیسی جمهوری اسلامی سلامتی اش با لطمات جبران ناپذیری مواجه شده است. او از نظر مردم و اتحادیه و تشکلهای کارگری در سطح بین المللی چهره ای شناخته شده است و به اعتبار مبارزانش برای احقاق حقوق کارگران از حمایت های بین المللی برخوردار است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری، بازداشت و اذیت و آزار محمود صالحی و فعالین کارگری را محکوم میکند و جمهوری اسلامی را در برابر هر آنچه که در بیرون و درون زندان بر سر کارگران و فعالین کارگری اعمال میشود مسئول و پاسخگو

کلیه هایم را در سلول از دست دادم. بعد از وخامت حال جسمانی به بیمارستانی خارج از زندان منتقل و از آنجا نیز پیش از پایان قرار بازداشت که تا پایان خرداد تعیین شده بود، آزاد شدم. در حال حاضر نیز تحت مداوای پزشکان قرار دارم.

محمود صالحی در دو دهه گذشته در دفاع از حق تشکلی کارگران و برای افزایش دستمزد و امنیت جانی و مالی کارگران از سوی مسئولین و نهادهای

اش، ماموران اداره اطلاعات به خانواده او اجازه داده بودند داروهایش را به زندان ارسال کنند اما او خود می گوید از چهارشنبه گذشته تا روز آزادی اش به علت عدم دسترسی به امکانات پزشکی و وخامت حال جسمانی به بیمارستانی در سنجند منتقل و در این فاصله دو بار دیالیز شده است. او در روز ۱۲ خرداد در مصاحبه با سایت "روز" اعلام کرده: "به علت عدم دسترسی به موقع به دارو،

محمود صالحی فعال کارگری در یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر توسط نیروهای اطلاعات جمهوری اسلامی دستگیر و تحت فشار جسمی و روحی قرار گرفت. وی روز شنبه ۹ خرداد بعد از ۳۲ روز بازداشت به قید ضمانت آزاد شد. محمود صالحی از بیماری هایی مانند فشار خون، دیسک کمر و ناراحتی وخیم کلیوی در رنج است و نیاز به دیالیز مداوم دارد. دو هفته بعد از بازداشت بعثت وضعیت وخیم جسمانی

اطلاعیه شماره: ۲۳۸

پدرام نصراللهی آزاد شد

جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد همچنان در قرنطینه بسر میبرند

بهنام ابراهیم زاده ۶ روز در انفرادی خواهد ماند

داشتند. جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد دو تن از هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا بر سر خواست افزایش دستمزدها هستند. جعفر عظیم زاده بخاطر همین مبارزات در اسفند ماه ۶ سال حکم زندان گرفته است.

محرومیت

بهنام ابراهیم زاده

از دارو و درمان

۲۲ خرداد پنجمین سال بازداشت بهنام ابراهیم زاده از فعالین کارگری سرشناس در زندان است و حکم ۵ ساله او خاتمه می یابد و باید آزاد شود. اما به او حکم جدید ۹ سال و ۴ ماه داده شده است. در این هفته همسر بهنام، خانم زبیده حاجی زاده به دیدار وی رفت. اما به او اجازه تحویل دارو، کتاب و لباس به بهنام را ندادند. و این درحالیست که او در وضعیت جسمانی بدی قرار دارد و بیماریهایش بدتر شده است و از هر دارو و درمانی محروم است.



۲۰ ژوئن روز جهانی دفاع از زندانیان سیاسی و فرصت مناسبی است که صدای اعتراض کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی در سراسر جهان باشیم. وسیعاً به این کارزار جهانی پیوندیم.

کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند

۹ خرداد ۱۳۹۴، ۳۰ مه ۲۰۱۵

Shahla.
Daneshfar2@gmail.com
<http://free-them-now.com>



این دو فعال کارگری اعلام نمودند که شاپور احسانی راد و جعفر عظیم زاده برای بازجویی های مجدد به قرنطینه فرستاده شده و تاکید کردند تا اطلاع ثانوی پیگیر آزادی آنها نباشند. اکنون هر دو آنها ممنوع الملاقات شده و تماسهای تلفنی ای را که در روزهای قبل میتوانستند داشته باشند، نیز قطع شده است.

شاپور احسانی راد پس از گذشت ده روز از بازداشت اولیه و درحالیکه روزیکشنبه سوم خرداد طبق اطلاع قبلی به خانواده قرار بود با وثیقه آزاد شود از روز دوشنبه ۴ خرداد مجدداً به قرنطینه منتقل و دوباره مورد بازجویی قرار گرفت. مسئولین قضائی حتی از تحویل وسائل و لوازم نیازهای اولیه جعفر عظیم زاده که در همان روز سوم خرداد دستگیر شده بود نیز خودداری کردند. محاکمه و بازداشت جعفر عظیم زاده به دلیل انتشار و درج اخبار اعتصابات و اعتراضات کارگران بخصوص خبر

نورد و لوله صفا در سایت اتحادیه آزاد و شاپور احسانی راد به خاطر به اتهام "تحریک کارگران نورد لوله صفا به اعتصاب" صورت گرفته است. کارگران نورد لوله صفا بخاطر ۵ ماه دستمزد معوقه و ۱۷ ماه حق بیمه شان، ۳۵ روز تمام دست به اعتصاب متحدانه زدند و وقتی شاپور احسانی راد دستگیر شد، مجمع عمومی بزرگ خود را تشکیل دادند و ضمن تاکید بر اینکه شاپور نماینده و مشاور حقوقی آنان است، حمایت خود را از وی اعلام

محرومیت او از مرخصی، عدم آزادی مشروطی و نگهداری او در سلول انفرادی به مدت شش روز تصمیم گیری گردید. بدین ترتیب بهنام ابراهیم زاده این سمبل آزادیخواهی و انسانیت در انفرادی بسر میبرد.

۱۱ خرداد ۹۴

آرام و فواد زند آزاد شدند

به گزارش منتشر شده از سوی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری روز ۹ اردیبهشت آرام زندی و فواد زندی دو عضو دیگر این کمیته و از فعالین کارگری در شهر سمنجان با قرار وثیقه ۱۰۰ تومانی آزاد شدند. این فعالین کارگری در ۲۵ فروردین توسط مامورین لباس شخصی دستگیر شده بودند.

آزادی محمود صالحی، آرام زندی و فواد زندی را به این عزیزان، به خانواده هایشان و به همگان تبریک میگویم.

پدرام نصراللهی یکی دیگر از اعضا کمیته هماهنگی و از دستگیر شدگان آستانه روز جهانی کارگر است که همچنان در بازداشت بسر میبرد.

جعفر عظیم زاده

وشاپور احسانی راد به

قرنطینه فرستاده شده

و ملاقاتی ندارند

بنا بر خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز چهارشنبه ۶ خرداد خانواده های جعفر عظیم زاده رئیس این اتحادیه و شاپور احسانی راد عضو هیئت مدیره آن که در ارتباط با اعتصاب متحدانه ۳۵ روزه کارگران کارخانه نورد و لوله صفا در شهرستان ساوه دستگیر شده اند، بمنظور پیگیری وضعیتشان به شعبه یک دادگستری شهرستان ساوه مراجعه کردند.

مسئولین مربوطه به خانواده ها ی

از طرف خانواده هایشان تاکید کرد. بعد از ماجرای اعتصاب کارگران کارخانه لوله و نورد ساوه که در اعتراض به پرداخت نشدن ۵ ماه حقوق معوقه و عدم واریز کردن ۱۷ ماه حق بیمه خود از طرف کارفرما که ۳۵ روز به طول انجامید، کارفرما و مسئولین دولتی شهرستان ساوه تلاش مضاعفی را جهت سرکوب این اعتراض به کار بستند. جعفر عظیم زاده در سوم خرداد به خاطر انعکاس اخبار این اعتراضات در سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران و شاپور احسانی راد مشاور قانونی این کارگران در ۲۶ اردیبهشت، تحت عنوان "تحریک کارگران به اعتراض" دستگیر شده اند. این دو رهبران شناخته شده کارگری همچنین از هماهنگ کنندگان طومار ۴۰ هزار امضا بر سر خواست افزایش دستمزدها و نماینده ۱۰۰۰ کارگر در شکایت از غارت و چپاول صندوق سازمان تامین اجتماعی هستند.

بهنام ابراهیم زاده به دلیل

اعلام انزجار علیه اعدام

ها به انفرادی منتقل شد

بدنبال درگیری لفظی ای که در دهم خرداد در بند دارالقران که بهنام در آن نگاهداری میشود با نجم الدین حسینی رئیس این بند صورت گرفت و متعاقب آن بدستور وی بهنام مورد ضرب و شتم قرار گرفت، بهنام ابراهیم زاده به انفرادی منتقل شد. علت همه اینها انتشار اعلامیه ای از سوی بهنام ابراهیم زاده، این چهره شناخته شده کارگری در زندان علیه اعدام ها، تحت عنوان اعدام قتل عمد دولتی است و نصب شدن آن در زندان است.

بنابر آخرین خبرها در این روز مقامات جنایتکار زندان رجایی شهر و دادیار خدابخشی، درباره بهنام ابراهیم زاده تشکیل جلسه داده و در آن بر محرومیت بهنام از ملاقات،

پدرام نصراللهی آزاد شد

آزادی پدرام نصراللهی فعال کارگری از زندان سمنجان

با کمال مسرت به اطلاع میرسانیم که پدرام نصراللهی از فعالین کارگری شناخته شده در شهر سمنجان، عضو کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری در ساعت سه و نیم بعد از ظهر روز ۱۲ خرداد ماه از زندان مرکزی این شهر آزاد شد. پدرام در آستانه روز جهانی کارگر در ۹ اردیبهشت دستگیر و ۳۵ روز در بازداشت بود. او با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شده است. آزادی پدرام نصراللهی را به او، به خانواده اش و به همگان تبریک میگویم.

شاپور احسانی راد و

جعفر عظیم زاده کماکان

در قرنطینه زندان ساوه

بسر میبرند

بنا بر خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران، جعفر عظیم زاده بعد از گذشت ۹ روز و شاپور احسانی راد نیز بعد از گذشت ۱۷ روز از بازداشت خود کماکان در قرنطینه زندان مرکزی ساوه بسر میبرند و هیچگونه اطلاعی از وضعیت جسمانی اشان در دست نیست و حق هیچگونه ارتباط تلفنی و یا ملاقات را ندارند

روز یازده خرداد برای چندمین بار خانواده های جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه آزاد کارگران ایران و شاپور احسانی راد عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به دادگستری شهرستان ساوه جهت پیگیری وضعیت عزیزانشان به شعبه یک بازپرسی این دادگاه مراجعه نمودند. ولی طبق معمول بازپرس شعبه یک از پاسخ به هرگونه سوالی امتناع و به عدم پیگیری پرونده آنان

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس

و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

بنا بر تصمیم شورای زندان رجایی شهر بهنام ابراهیم زاده

۶ روز در زندان انفرادی می ماند

جرم بهنام اعلام انرجار علیه اعدام هاست

اطلاعی شماره ۲۵: "کمپین بهنام را آزاد کنید"

باشد. خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط بهنام شوم.

بهنام ابراهیم زاده از چهره های شناخته کارگری است. او از سال ۸۹ با ۵ سال حکم در زندان بسر میبرد. در حکم جدیدی او به ۹ سال و ۴ ماه زندان محکوم شده است و اکنون بنا بر تصمیم مقامات جنایتکار زندان، او از حق داشتن مرخصی و حتی آزاد شدن بعد از ۵ سال زندانی بودن محروم شده است. بهنام ابراهیم زاده در زندان نیز همچنان صدای آزادی خواهی و انسانیت و صدای اعتراض علیه اعدام است. او شایسته بیشترین حمایت هاست. به حمایت از بهنام بشتایم

کارزار "بهنام را آزاد کنید تا آزادی بهنام ادامه دارد و همگان را به حمایت و پشتیبانی از او و خواستهایش فرا میخواند. با کارزار "بهنام را آزاد کنید" همکاری کنید و در هر کجا که هستید صدای اعتراض بهنام و زندانیان سیاسی در بند باشید.

در داخل کشور میتوانید عکس وی را بر در و دیوار بزنید و زیرش بنویسید "بهنام را آزاد کنید" و عکس بگیرید و عکس های آنرا وسیعا در میبای اجتماعی، از جمله در صفحات فیس بوک و سایت های خبری منتشر کنید. و همچنین بلست ما برسانید تا آنها را رسانه ای کنیم. کلیپ تهیه کنید و با گرفتن عکس بهنام در مقابل صورت خود اعلام کنید که ما بهنام را حمایت میکنیم. "بهنام را آزاد کنید" کلیپ آنرا بر روی یوتیوب بگذارید و برای ما نیز ارسال کنید.

در خارج کشور بکوشید تا با سازمانهای کارگری و نهادهای انساندوست در کشورهای مختلف جهان تماس برقرار کنید و خواستار حمایت و پشتیبانی آنان از بهنام و خواستهایش باشید.

پتی شنی را که از سوی کمپین "بهنام را آزاد کنید" در حمایت از او بر روی سایت ها گذاشته است، را برای

بنابر گزارش رسیده به کارزار "بهنام را آزاد کنید" روز دهم خرداد ماه شورای زندان رجایی شهر، با حضور مسوولین زندان و دادیار خدابخشی، درباره بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و زندانی سیاسی تشکیل جلسه داده و در مورد وی تصمیمات ذیل اتخاذ شده است:

- ۱- محرومیت از ملاقات
- ۲- محرومیت از مرخصی
- ۳- عدم پیشنهاد عفو و آزادی مشروط
- ۴- نگهداری در سلول انفرادی بمدت شش روز

این تصمیم جنایتکارانه بدنبال درگیری لفظی ای صورت میگیرد که در همین روز در بند دارالقران که بهنام در آن نگهداری میشود با نجم الدین حسینی رئیس این بند صورت گرفت و متعاقب آن بدستور وی بهنام مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به انفرادی انتقال یافت. علت آن نیز انتشار اعلامیه ای از سوی بهنام علیه اعدام ها و نصب شدن آن در زندان بود.

بهنام اکنون در موقعیت نگران کننده ای قرار دارد. او با توجه به بیماریهای متعددی که در زندان به آن مبتلا شده است، با توجه به محرومیت از دارو و درمان بعنوان یکی از شکنجه هایی که بر وی وارد شده است، و نیز بدنبال ضرب و شتم روز گذشته در وضعیت جسمانی بدی قرار دارد. بهنام نیاز به حمایت و پشتیبانی اضطراری ما دارد. بکوشیم تا در سطح جهانی صدای اعتراض بهنام باشیم. فشار بیاوریم که تصمیم جنایتکارانه شورای زندان رجایی شهر در قبال او شکسته شود و بهنام سریع مورد درمان و معالجه قرار گیرد. فشار بیاوریم که در اولین فرصت به او مرخصی داده شود که هم امر معالجه و درمانش را به پیش برد و هم کنار فرزندش نیما که به بیماری خطرناک سرطان مبتلاست

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سرمدیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه
منتشر میشود